

روزنه

مجلس، خودروی اقساطی و آمبول آتفلوانزا

میرسلیم؛ ماجرای دنابلاس برای به‌خفت‌کشاندن مجلس بود

● **شرق:** ماجرای واگذاری دنابلاس به نمایندگان مجلس با واکنش تند مصطفی میرسلیم، نماینده تهران و رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی مواجه شد. چند روز پیش بود که روح‌الله ایزدخواه، عضو کمیسیون صنایع، خبر داد که در ابتدای شروع مجلس یازدهم فرمی برای دریافت خودرو به نمایندگان داده شد تا نوع استفاده از خودرو را انتخاب کنند که سه گزینه داشت: ۱۰۰، استفاده از خودروی مجلس با راننده که هزینه‌ها حسب میزان کاربرد و طبق تعرفه (ساعتی ۳۰ هزار تومان و روزانه ۵۰۰ هزار تومان) از دریافتی ماهانه نماینده کسر می‌شود. ۲. تحویل امانی خودروی صفر (پارس) به نماینده و عودت آن در پایان نمایندگی. ۳. فروش اقساطی یک خودروی صفر به نماینده (دنا یا پارس) که قسط آن از دریافتی ماهانه کسر شود.

ایسنا نوشت روز گذشته، مصطفی میرسلیم در نشست دبیران استانی حزب مؤتلفه اسلامی به گزینه سوم یعنی تحویل خودروی دنابلاس اشاره کرده و گفته: «این ماجرای انحرافی برای به‌خفت‌کشاندن مجلس انقلابی بود. نمایندگان نباید از امکانات دولتی برای سرکشی در حوزه انتخابیه خود استفاده کنند؛ زیرا این وابستگی که نوعی وامدارش‌ن است، قدرت نظارتی آنها را کاهش می‌دهد، هزینه آن را یا باید مانند سابق مجلس تأمین کند یا خود نمایندگان و البته اثبات شده که راه‌حل اخیر در مجموع صرفه‌جویانه‌تر است. از این تصمیم، هیئت‌رئیس مجلس باید دفاع کند ولی به‌هرحال، جنجال‌آفرینی اخیر حکایتی است از فرابندی منافقانه برای تخریب جایگاه مجلس و نمایندگان در نظر مردم».

ماجرای اعطای خودروهای اقساطی به نمایندگان مجلس وقتی جالب شد که لطف‌الله سیاهکلی، نماینده قزوین، البرز و آبیک، در گفت‌وگویی اعلام کرد چون در دوره قبل نماینده‌ها شاسی‌بند گرفتند، او هم برای رفتن به مناطق روستایی شاسی‌بند می‌خواهد. ایلنا، به نقل از این نماینده اصولگرا نوشته بود: «دولت به‌جای اینکه نمایندگان را در مقابل هجمه افکار عمومی قرار دهد، باید دفتر کار، ماشین و نیروی انسانی بیشتری در اختیار نمایندگان بگذارد. اینکه یک نماینده باید هزینه‌های این موارد را شخصاً بپردازد و در مقابل مورد هجمه رسانه و افکار عمومی هم باشد، حکایت خوردن هم‌زمان چماق و پیاز است. ما از جیب خودمان ماشین می‌خریم و در طول چهار سال این ماشین اسقاط می‌شود؛ آیا این درست است که این هزینه از جیب «جغور» ماشین خراب شد و مجبور شد‌م با تویوتای یکی از مدیران برگردم؛ این درست است که نماینده مردم پیاده باشد و سطح زندگی مالی‌اش اندازه یک بخشدار منطقه نباشد.

البته سخنان او با کلیه «وهاب عزیزی»، فعال سیاسی و تحلیلگر اصولگر، مواجه شد؛ او به ایلنا گفت: «مانی که برای دو رای از کوه و کمر بالا می‌رفتید، مسیر کوهستانی و صعب‌العبور نبود؟ سرتا و بوق شعرا خدمت شماها پیش از انتخابات گوش فلک و خلق‌الله را به ستوه آورده بود و الان برای همان خدمتی که وعده‌اش را دادید، به مردم منت می‌گذارید که سرکشی به حوزه انتخابیه زحمت و هزینه دارد؟ مایه تأسف فراوان است که برخی در مسئله نمایندگی مجلس تنها در بخش جبهه‌یز آن مانده‌اند.» نماینده مردم خلخال در مجلس نیز گفت: «نمایندگان بر اساس ماده ۷۱ قانون مدیریت خدمات کشوری معادل وزیر هستند، اما حکایت آش نخورده و دهن سوخته شده است؛ ما ماشین و امکانات به اندازه استاندار، فرماندار و بخشدار نمی‌خواهیم، ما را به اندازه دهیار در نظر بگیریم. ما امکانات اولیه برای رسیدگی به امورات مردم می‌خواهیم، با نیروی نمایندگان بازی نکنید، ما دنا نمی‌خواهیم نه پژو، فقط می‌خواهیم آبرویمان حفظ شود و نوکر مردم باشیم. به ما امکانات اولیه برای خدمت بدهید».

البته حواشی مجلس فقط به دنابلاس ختم نمی‌شود؛ اواخر هفته گذشته نیز خبر رسید که هزارو ۵۰۰ دوز واکنس آتفلوانزا به نمایندگان اختصاص پیدا کرده و آنها در اولویت قرار گرفته‌اند. هرچند بعد از اعتراض گسترده به این توزیع ناعادلانه، خبر رسید که پارلمان این واکنس‌ها را به وزارت بهداشت بازگردانده است. روز گذشته نیز رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس از بازگرداندن واکنس آتفلوانزا به وزارت بهداشت خبر داد و به ایسنا گفت: «اگر دولت اوایل مردادماه برای تأمین واکنس آتفلوانزا از تخصیص می‌داد، تا اوایل شهریور وارد می‌شد. بعد از آن هم یک سری مشکلات در واردات واکنس پیش آمد، آن‌هم از طریق کشوری که قرار بود واکنس را به ما بدهد.» حبیبعلی شهریارای راه‌پوشش و حتی بازنتشنگش با واکنس وارد کشور شد و اداره کل سلامت مجلس به روال سال‌های گذشته هزارو ۵۰۰ دوز تحویل گرفت. این میزان واکنس تنها مختص نمایندگان نیست، مجلس چند هزار کارمند اعم از کادر داخل مجلس، کارشناسان مرکز پژوهش‌ها و حتی بازنتشنگش با بالای ۶۵ سال و نمایندگان ادوار دارد. دریافت واکنس توسط اداره کل سلامت مجلس طبق روال گذشته بود اما چون هنوز امسال تمام واکنس مورد نیاز وارد کشور نشده، نباید ابتدا به مجلس داده می‌شد، البته که هنوز واکنس بین هیچ گروهی توزیع نشده است».

ادامه از صفحه ۲

کارهای امنیتی نیز داشتیم؛ وقتی تیمسار قرنی و آیت‌الله مطهری شهید شدند، آقای هاشمی‌رفسنجانی به ما پیشنهاد بگیری و دستگیری گروه فرقان را داد ما نیز پذیرفتیم، اما نتوانستیم وقت کافی برای این کار بگذاریم. مسئول این کار آقای الوری بود، تا اینکه آقای هاشمی ترور شد. من با آقای الوری و آقای نبوی به ملاقات ایشان در بیمارستان شهدا در میدان تجریش رفتم، ایشان کله کرد و گفت: شما که هیچ کاری درباره این گروهک نکردید. گفتیم متأسفانه نتوانستیم وقت کافی برای این کار بگذاریم، ولی قول دادیم که این کار را بکنیم. بعد از آن ملاقات آقای الوری و دیگر دوستان با به‌دست‌آوردن سرنخ‌هایی، تعقیب و مراقبت‌ها را به‌صورت فنی انجام دادند و در نهایت بچه‌های سازمان در سیاه و با کمک دیگر نیروهای سپاه، اکثریت اعضای این گروهک را در یک روز دستگیر کردند. سازمان اولیه با وجود موفقیت‌های چشمگیرش، مشکلاتی جدی نیز داشت که به‌تدریج رشد کرد و در نهایت آن را متلاشی کرد. توضیح اینکه در جریان کار سیاسی اختلاف‌نظرها ظاهر شد. وقتی برای بزرگداشت روز کارگر می‌خواستیم بیانیه بدهیم، با مخالفت برخی مواجه شدیم. همان‌ا در سرباره بیانیه سالگرد فوت مرحوم دکتر شریعتی نیز به مخالفت می‌کردند. این امر زمانی که چند نفر از ما به کارهای اجرایی ورود کردیم، تشدید پیدا کرد. در جریان کار اجرایی تضادهای فکری بین ما و نگاه راست‌تر شد؛ مثلاً من می‌خواستم اصلاحات ارضی را انجام داده و تعاونی‌ها را تشکیل دهم، اما جناح راست آن را خلاف شرع می‌دانستند. قانون بیمه بی‌کاری، تشکیل شوراهای اسلامی کار و همین‌طور کوبنی‌کردن کالاهای ضروری را که آقای نبوی انجام می‌داد، خلاف شرع می‌دانستند. آنها کوبنی‌کردن کالاه را عمل کمونیستی می‌نامیدند. این اختلاف‌نظرها همکاری دو جناح موجود در سازمان را عملاً ناممکن کرد. ما وقتی که دیدیم نمی‌توانیم با جناح دیگر همکاری کنیم، در اواخر دی‌ماه ۱۳۶۱ استعفاي خود را از سازمان با امضای ۳۷ نفر اعلام کردیم. سازمان از آن به بعد فقط فعالیت سیاسی داشت. تا اینکه در سال ۶۵ امام با انحلال سازمان موافقت کردند.

آیت‌الله راستی‌کاشانی به چه علت وارد سازمان شد؟

در اوایل کار، نماینده‌ای از سوی امام در سازمان نداشتیم و اگر مسئله‌ای بود با خود امام به‌صورت مستقیم در میان می‌گذاشتیم؛ برای مثال درباره تظاهرات علیه سوءاستفاده از اقدام آیت‌الله طالقانی در ارتباط با فرزندان، با اطلاع امام انجام دادیم. با وجود این بعضی از گروه‌ها معتقد بودند برای تسهیل رفع برخی مشکلات اعتقادی احتمالی، ضرورت دارد نماینده‌ای از سوی امام در سازمان باشد. آقای محمدباقر ذوالقدر در شورای مرکزی پیشنهاد داد که آقای راستی‌کاشانی را به‌عنوان نماینده امام در سازمان به امام پیشنهاد کنیم. به این پیشنهاد همه به‌جز من رای دادند. این پیشنهاد خدمت امام مطرح شد و در نهایت ایشان نیز پذیرفتند. گرچه ایشان اوایل کار خیلی در کارها ورود نمی‌کرد، اما از اواسط سال ۱۳۵۹ با دخالت در کارهای سازمان، موجب تشدید تضادها شد. البته در این زمان حضور من در سازمان به‌دلیل حجم کار سنگین در وزارت کشاورزی نسبت به گذشته بسیار کمتر و فقط در حد شرکت محدود در شورای سیاسی شده بود.

با انحلال سازمان اول نیروها چه فعالیت‌هایی داشتند؟

در این دوره بیشتر دوستانی که از سازمان جدا شده بودند، جلساتی با هم داشتند و مسائل روز را بررسی می‌کردیم، گاهی هم جمع‌بندی خود را از مسائل و رخدادها به مسئولان عرضه می‌کردیم. در آن زمان یعنی بعد از انحلال سازمان و تعطیلی حزب جمهوری، یک جو ضد حزبی در جامعه حاکم شده بود و کمتر کسی رغبت به کار تشکیلاتی داشت. این وضع برای ما که به ضرورت وجود حزب معتقد بودیم، نگران‌کننده بود، چون فکر می‌کردیم آینده بدون حزب نمی‌تواند مهم باشد؛ بنابراین من سعی داشتم به سهم خودم برای تعدیل این جو و ایجاد یک حزب فراگیر اقدام کنم. به همین منظور سراغ چند نفر رفتم؛ اول سراغ آقای هاشمی‌رفسنجانی رفتم و مشکلات عدم تحزب را توضیح دادم و گفتن لازم است در شرایط بحرانی تشکیلات سیاسی قابل قبولی برای مواجهه وجود داشته باشد و پیشنهاد کردم که با ایشان و دیگران حزبی جدید و فراگیر تشکیل دهیم. آقای هاشمی گفتند من حرف‌های شما را قبول دارم، اما فرصت ندارم و اگر فرصت داشتم حزب جمهوری را احیا می‌کردم، اما شما اگر تشکیلاتی راه بیندازید، من هر کمکی بخواهید می‌کنم. بعد سراغ مرحوم آیت‌الله‌العظمی صائعی رفتم؛ ایشان نیز گفتند من اهل تشکیلات نیستم. اما اگر کمکی خواستید دریغ نمی‌کنم. بعد از آن سراغ مرحوم آقای عبائی خراسانی رفتم، ایشان هم دقیقاً حرف آیت‌الله صائعی را گفت. بعد از آن سراغ آقای داعای در روزنامه اطلاعات رفتم. ایشان پیشنهاد کرد قبل از صحبت با مجموعه مؤسسه اطلاعات بازدیدی داشته باشم. به اتفاق این کار را کردیم، برای اولین بار بود که این مؤسسه بازدید کرد، نحوه سازماندهی و کارشان و نیز دستگاه‌های پیشرفته‌ای که داشتند برآیم جالب بود. آقای داعای زحمت کشیده بود و ناهار تدارک دیده بود، بعد از ناهار موضوع را مطرح کردم. ایشان هم ضمن تأیید حرف‌های من گفتند من اهل تشکیلات نیستم ولی حاضرم هر کمکی که شما بخواهید انجام دهم. سراغ افراد دیگر اعم از روحانی و مکلان نیز رفتم. بنابراین این هدف من که حزبی فراگیر و متشکل از پتانسیل و ظرفیت بالای شخصیت‌ها تشکیل شود، با شکست مواجه شد، اما ظرفیت مناسب دیگری که پای کار باشند، وجود داشت و آن دوستان جداشده از سازمان قبلی بود.

جلساتی را که داشتیم، منظم‌تر کردیم و در جهت ایجاد تشکیلات جدید آن را برنامه‌ریزی کردیم و در نهایت «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران» را که در ۱۳۷۰/۷/۱۰ به تأیید وزارت کشور رسید، راه انداختیم. این تشکیلات، تشکیلاتی صرفاً سیاسی و علنی بود. در سال ۱۳۷۳ نیز مجوز نشریه «عصر ما»، ارگان سازمان را گرفتیم. در جهت همکاری با دیگر تشکل‌های همسو، سازمان تلاش زیادی کرد. تشکیل «شورای هماهنگی گروه‌های خط امام» که متشکل از هفت گروه بود، نتیجه همکاری صمیمانه متقابل تشکل‌های عضو و سازمان بود. گروه‌های عضو این شورا عبارت بودند از: انجمن اسلامی معلمین، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی مهندسین، انجمن اسلامی جامعه پزشکی، دفتر تحکیم وحدت، جناح خط امام مجلس شورای اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران. البته پیش از این، تجربه فواید این‌گونه همکاری‌ها را داشتیم. زمانی‌که هنوز سازمان تشکیل نشده بود، همکاری گروه‌ها انجام می‌شد.

در سال‌های ۱۳۶۸، ۱۳۶۹ و حتی پیش از آن گروه‌ها هم با یکدیگر همکاری داشتند و هم با مجلس شورای اسلامی.

شما نماینده مجلس سوم بودید؟

بله. دوره مجلس سوم از ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ بود. در محدوده این دوره، گروه‌ها به تدریج همکاری‌های خود را در عرصه سیاسی با یکدیگر گسترش دادند. در این دوره در مجلس سوم حدود ۱۲۰ نماینده خط‌امامی بود. این نماینده ۲۰ نفر را

به عنوان اعضای هماهنگ‌کننده (شورای مرکزی) انتخاب کردند. وظیفه آنها عبارت بود از تحلیل مسائل روز، تهیه محوره‌های نطق‌های قبل از دستور، تعیین مواضع خط‌امامی‌های مجلس در قبال مسائل مختلف و... . این ۱۲۰ نفر هر دو هفته یک جلسه مشترک داشتند و جمع‌بندی‌های شورای مرکزی را استماع می‌نامیدند. این شورای مرکزی تا جایی که به یاد دارم، در یک مقطع عبارت بودند از آقایان موسوی‌تریزی، شیخ حسین هاشمیان، آیت‌الله بیات، هادی خامنه‌ای، منتجب‌نیا، موسوی‌لاری، هادی غفاری، الویری، ابراهیم اصغرزاده، حضرتی، جهانگیری، بهزادیان، پدالله اسلمی، فخرالدین حجازی، غریبانی، نجفعلی حبیبی، تکبرایی و بنده. البته تقریباً همین جمع قبل از مجلس سوم هم جلساتی داشتند که در مورد انتخابات‌ها و مسائل سیاسی دیگر بررسی می‌کردند و تصمیم می‌گرفتند. اکثر این ۱۲۰ نفر با گروه‌های مختلف خط‌امامی ارتباط داشتند یا عضو بودند یا طرفدار. برای جلوگیری از بروز تضاد بین جمع‌بندی‌های شورای مرکزی نمایندگان و گروه‌های همسو، شورای هماهنگی گروه‌های خط امام را به همان گروه‌هایی که در آن زمان بودند، تشکیل دادیم. این شورا در نهایت در سال ۱۳۶۹ به «ستاد هماهنگی تشکل‌های خط امام» تغییر نام داد. اعضای این ستاد عبارت بودند از مجمع روحانیون مبارز، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی معلمین، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، اتحادیه انجمن‌های اسلامی صنف تولیدی، جمعیت زنان جمهوری اسلامی و خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران. هر کدام از این تشکل‌ها یک نفر در ستاد نماینده داشتند. به این جمع دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب نمایندگان خط‌امامی اضافه می‌شدند که آقای موسوی‌لاری و من بودیم. به این وصف بین ستاد و مجلس ارتباط تنگاتنگی وجود داشت. با این کار به‌خوبی از نظرات تشکل‌ها در ارتباط با موضوع‌گیری‌های سیاسی استفاده می‌شد. ضمناً این کار سازماندهی‌شده موجب شد تا اکثریت قریب به اتفاق رؤسای کمیسیون‌ها از خط‌امامی‌ها انتخاب شوند. بعد از روی‌کارآمدن دولت خاتمی، توسعه سیاسی جدی گرفته شد و به دنبال آن تشکل‌های جدیدی راه افتادند. این تشکل‌ها چون دوم‌خرادی بودند و دیدگاه‌هایشان نزدیک به خط امام بود. قرار شد که آنها نیز جذب شوند و تصمیم گرفتیم گروه‌های خط امام توسعه پیدا کند و اسش نیز عوض شود؛ چندین گروه جدید مثل مشارکت، همبستگی و... به گروه‌های خط امام اضافه شدند و بعد این مجموعه نام جدید «شورای هماهنگی گروه‌های جبهه دو‌خراد» را به خود گرفت. بعدها این مجموعه عنوان «شورای هماهنگی گروه‌های جبهه اصلاحات» را پیدا کرد.

در پیروزی خاتمی نقشی داشتید؟ مقرر کنید

مهندس موسوی‌کانندیا
شود؟
در مورد انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶، پس از اینکه در شورای هماهنگی گروه‌های خط امام به این نتیجه رسیدیم که مهندس موسوی را کانندیا کنیم، با ایشان ملاقات و نظر خردمان را مطرح کردیم. ایشان ابتدا سخت مخالفت کرد، اما با تقاضای گروه‌ها و شخصیت‌ها و بعضی از خانواده شهدا به تدریج موضع نرم‌تری گرفت. تا اینکه در ملاقات مجدد ما پس از بحث‌های مختلف تقریباً راضی شده بود، به شکلی که صحبت از اینکه رئیس ستاد چه کسی باشد، کرد. آمادگی ایشان را من در سفری که به لرستان داشتم اعلام کردم و از طرف گروه‌های خط امام گفتم که ایشان کانندیای ما است. اما چند روز بعد مهندس موسوی پس از مشورت با برخی شخصیت‌های جناح حق را به شروطی که آنها مطرح کرده بودند، بیایانه انصراف خود را صادر کرد.

با دیدن رهبر انقلاب هم رفته بودند؟

خیر با ایشان صحبتی نداشتند.

خاتمی چگونه به کانبدیای ریاست‌جمهوری تبدیل شد؟

پس از اینکه مهندس موسوی را کانندیا‌شدن صرف‌نظر کرد، در شورای هماهنگی گروه‌های خط امام

سیاست

با دستور هاشمی مسئول دستگیری اعضای فرقان شدیم

تصمیم گرفتیم جلسه مشترکی با مجمع روحانیون داشته باشیم تا مشترکاً در مورد یک کانندیا تصمیم بگیریم. این جلسه در محل دفتر روحانیون مبارز برگزار شد. در این جلسه اکثر اعضای شورای مرکزی مجمع حضور داشتند؛ آقایان کروبی، موسوی‌خوئینی‌ها، خاتمی، محتشمی‌پور، موسوی‌لاری، کیان‌ارثی، منتجب‌نیا، ابطی و... . در این جلسه من از طرف شورای هماهنگی مطرح کردم که چون آقای موسوی اعلان انصراف کرده لازم می‌بینیم کسی دیگر را مشترکاً کانندیا کنیم. آقای کروبی پرسید پیشنهاد شما چیست؟ من فی‌البداهه گفتم یکی از شما سه نفر کانندیا شوید؛ یا شما یا آقای خوئینی‌ها یا آقای خاتمی. این پیشنهاد من قبل‌ا در شورا تصویب نشده بود، اما کسی هم به آن ایرادی نگرفت. پیشنهاد من ظاهراً برای آقای کروبی غیرمنتظره بود. ایشان گفت من که کانندیا نمی‌شوم؛ اگر آقای موسوی‌خوئینی‌ها یا آقای خاتمی می‌خواهند کانندیا شوند. آقای خوئینی‌ها هم گفتند من هم کانندیا نمی‌شوم؛ اگر آقای خاتمی می‌خواهند کانندیا نمایند نمی‌شوم؛ اگر آقای خاتمی آمادگی دارند بشوند. آقای خاتمی هم بلافاصله گفت که کانندیا نمی‌شوم، من حاضر نیستم کانندیا شوم. بعد از این صحبت‌ها من گفتم این‌چور که نمی‌شود، بالاخره باید کاری کنیم.

آقای کروبی گفت بگذارید یک بار دیگر من با مهندس موسوی صحبت کنم؛ شاید بتوانیم مجابش کنیم، من پیشنهاد کردم اگر توانستید ایشان را مجاب کنید مجددا همین جلسه را تشکیل دهیم و بحث کنیم، با پذیرش این پیشنهاد جلسه ختم شد. چند روز پس از این جلسه در شورای هماهنگی تصمیم گرفتیم خاتمی را کانندیا کنیم. به همین علت قرار شد جداگانه با آقای کروبی و آقای خوئینی‌ها در این زمینه صحبت کنیم تا آنها آقای خاتمی را راضی کنند که کانندیا شود. ظاهراً بعد از جلسه مشترکمان آنها نیز به همین جمع‌بندی ا رضایت‌ناک شدند. چون بعد از آن جلسه بود که با آقای هاشمی دراین‌باره مشورت کردند. بالاخره بعد از درخواست‌های زیاد از سوی گروه‌ها، شخصیت‌ها و خانواده‌های شهید و مشورت ایشان با شخصیت‌ها، حاضر شد که کانندیا شود.

با برگردیم به سازمان، آن‌موقع چیزی که در سازمان معروف شده بود فرم شماره ۳ عضویت سازمان بود، چرا این‌قدر سخت عضوگیری می‌کردید؟
با توجه به روحیه ناشی از فعالیت‌های مخفی در قبل از انقلاب و نیز تجربه حزب جمهوری در بعد از انقلاب و مهم‌تر از همه تجربه خودمان در سازمان اولیه، برای جلوگیری از تفرقه و تشتت در سازمان، در مورد عضوگیری، سفت و سخت می‌گرفتیم. خوشبختانه این کار جواب داد و سازمان از بدو تأسیس تا تعطیلی توسط قوه قضائیه، یک‌دست باقی ماند.

با ۸۸ به رسمیم، چه شد که موسوی کانندیا شد؟
در مورد انتخابات ۸۸ اول سراغ آقای خاتمی رفتم تا بالاخره قبول کرد. سازمان هم تصمیم گرفت که از ایشان حمایت کند. البته اعلام رسمی نکرده بود، اما

تصمیم گرفتیم از خاتمی حمایت کنیم. منتها ایشان می‌گفت اگر مهندس موسوی کانندیا شود، من کانندیا نمی‌شوم، اینکه آقای خاتمی با تأخیر تصمیم گرفت کانندیا شود به این علت بود که آقای موسوی هنوز تصمیم نگرفته بود. ما سراغ آقای موسوی با توجه به سابقه انتخابات‌های قبل که مایل به کانندیا‌شدن نبود، نرفتمیم. به این معنی که سال ۱۳۷۵ برای انتخابات ۱۳۷۶ و سال ۱۳۸۳ برای انتخابات ۱۳۸۴ هرچه اصرار کردیم در نهایت نپذیرفت. بنابراین سراغ آقای خاتمی رفتم، ایشان بالاخره پذیرفت. ما تصمیم داشتیم بعد از عبد اعلام رسمی کنیم، اما در ایام عید یعنی در ۸۸/۱/۴ آقای مهندس موسوی با من تلفنی تماس گرفت و درخواست تشکیل جلسه‌ای کرد. من به اتفاق آقای بهزاد نبوی و آقای محسن آرمین با ایشان جلسه‌ای گذاشتیم. ایشان گفت با توجه به شرایط کشور و شیوه مدیریت دولت، نگران آینده کشور هستم، درنتیجه تصمیم گرفتم کانندیا شوم و از شما انتظار دارم که از من حمایت کنید. ما از آنجا که می‌دانستیم اگر آقای موسوی کانندیا شود، آقای خاتمی انصراف می‌دهد، ما این تصمیم را به‌لافصله گرفتیم. چون آنجا باید تصمیم‌گیری شود. قبل از اتمام تعطیلات عید نیز نمایندگان اعضا در استان‌ها عودت و در جلسه‌ای که برگزار شد، حمایت از مهندس موسوی تصویب شد.

چرا سازمان در ۸۹ منحل شد؟

در سال ۸۹ با اتهام دخالت در جریانات ۸۸ توسط کمیسیون ماده ۱۰ احزاب و بعد قوه قضائیه اعلام انحلال شد. به هر حال سازمان در جامعه تأثیرگذار بود و نمی‌توانستند این تأثیرگذاری را تحمل کنند. سازمان ۱۹ سال عمر کرد.

بعد از ۸۹ چه کردید؟

بعد از انحلال سازمان من فرصتی پیدا کردم که به دنبال کارهای مطالعاتی بروم. کارهایی که قبل از انقلاب شروع شده بود. معمولاً برای کسی که ده‌ها سال در عرصه سیاسی فعال بوده سخت است که کار سیاسی را کنار بگذارد، اما برنامه مطالعاتی من آن‌قدر برآیم‌جاذبه داشت که من این کار را بکنم. این کار مستلزم محدودکردن ارتباطاتی بود که سال‌ها برای برقراری آنها کار شده بود. معمولاً چنین نتیجه‌ای یعنی ضرر هنگفت، اما خوشبختانه در عوض من سود بسیار بیشتری بردم و از اینکه در ۱۰ سال صرفاً کار مطالعاتی داشتم بسیار راضی‌ام، چون محاصل آن چندین اثر راهبردی و پایه‌ای شد که به نظر خودم می‌تواند به شکل بنیادی اثرگذار باشد.

با عنوان بحث پایانی بفرمایید این ادعا درست است که نیروهای سازمان بعد از انحلال در حزب توسعه ملی و مجمع اپائگران ادغام شدند؟
بعد از اینکه سازمان منحل شد، اعضای سازمان دنبال تشکیلات جدیدی بودند. البته خود من هم اعلام کردم که با تعطیلی سازمان، تشکیلات جدیدی را راه‌اندازی می‌کنیم. از آنجا که اولویت من کار مطالعاتی شد، دوستان دیگر برای این مهم همت به خرج دادند. ما حاصل پیگیری آنها تشکیل «حزب توسعه ملی ایران اسلامی» شد. بنابراین این حزب تشکیلات محوری برای اعضای سازمان است، اما مجمع اپائگران، تشکیلاتی است که فقط بعضی از اعضای سازمان در آن عضوند.

خبر

روحانی در دیدار وزیر خارجه عراق:

هیچ‌گاه به دنبال مداخله در عراق نبوده و نیستم

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور روز گذشته در دیدار «فؤاد حسین» وزیر امور خارجه عراق، گفت: ما در مقاطع مختلف همواره حامی مردم و حکومت قانونی عراق بوده‌ایم و بهترین نمونه کمک به ملت و دولت عراق در جریان حملات تروریستی داعش در این کشور بوده است. حسن روحانی با بیان اینکه امروز هم وحدت شیعیان و تعامل بین گروه‌های مختلف اعم از شیعه، سنی و کرد در این کشور را یک اصل مهم تلقی می‌کنیم، افزود: برای کمک به وحدت و انسجام عراق در کنار دولت و مردم این کشور هستیم. او با بیان اینکه ما همیشه نظر خود را به صورت واضح و آشکار در مواضع سیاسی خودمان اعلام کرده‌ایم، تأکید کرد: حضور نیروهای مسلح آمریکا در این منطقه نه وظیفه ما بلکه وظیفه هر کشوری است که آمریکایی‌ها در آن حضور دارند. گفت: آنچه را مجلس عراق و نمایندگان مردم این کشور در این زمینه تصویب کرده‌اند، کام مبتنی می‌دانیم که مورد احترام ملت عراق و مورد حمایت ماست. رئیس‌جمهور با بیان اینکه در مسائل داخلی عراق و روابط بین گروه‌های عراقی، هیچ‌گاه به دنبال مداخله نبوده و نیستم، افزود: همواره اعتقاد داشته‌ایم که گروه‌های عراقی روابط خوبی برای حفظ و توسعه کشور خود داشته باشند. وزیر خارجه عراق نیز در این دیدار ضمن ابلاغ تسلا‌های گرم رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر این کشور به رئیس‌جمهوران، از کمک‌های ایران به دولت و مردم عراق در مقاطع مختلف قدردانی کرد. فؤاد حسین گفت: با تأکید نخست‌وزیر، کمیته تخصصی ویژه‌ای برای انجام مذاکرات و فراهم‌کردن زمینه اجرایی‌شدن توافقات دو کشور تعیین شده که اعضای این کمیته در هفته‌های آینده به ایران سفر خواهند کرد.

دیدار وزرای خارجه ایران و عراق

همچنین وزیر امور خارجه عراق ظهر دیروز با وزیر امور خارجه ایران دیدار کرد. به گزارش ایسنا، فؤاد حسین در این سفر دوزروه درخصوص اجرایی‌شدن توافقات سفر مرداد گذشته مصطفی الکاطمی، نخست‌وزیر این کشور به تهران با مقام‌های عالی کشورمان رایزنی خواهد کرد. در سفر فؤاد حسین به تهران، تحولات منطقه و همکاری‌های ایران و عراق در بخش‌های مختلف بررسی خواهد شد. پایان تیر و آغاز مرداد امسال، الکاطمی که بهار سال جاری و بعد از مدت‌ها چالش سیاسی در عراق سمت نخست‌وزیری را تحویل گرفت و در شرایطی که بعد از وقفه چندماهه کرونایی، سفرهای دیپلماتیک کم‌کم دوباره در حال آغاز بودند، به ایران آمد و با مقامات ایران دیدار کرد. او چند هفته بعد از این سفر نیز راهی واشگتن شد تا با رئیس‌جمهور و مقامات ایالات متحده دیدار کرده باشد.

آگهی برگزاری انتخاب رئیس

اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا)



اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری ایران

نظر به اینکه در اجرای ماده ۲۳ اساسنامه اسکودا جلسه آتی هیأت عمومی اسکودا به طور فوق‌العاده برای انتخاب رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران به میزبانی کانون محترم وکلای دادگستری مرکز در تهران برگزار خواهد شد، در اجرای تصمیم هیأت عمومی و ماده ۲۶ آیین‌کار اسکودا از داوطلبان احراز این سمت تقاضا می‌شود درخواست کتبی خود را همراه با تصویر صفحات دوم و سوم پروانه وکالت و صفحه‌ای که در آن آخرین تمدید پروانه درج شده‌است، به دفتر اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران به نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر(بخارست)، خیابان هفدهم، شماره ۲۰، طبقه سوم، کدپستی ۱۵۱۳۸۳۳۸۱۵ از طریق پست سفارشی پیشتاز ارسال فرمایند.

نکات قابل توجه:

- به موجب بند ب ماده ۹ اساسنامه اسکودا، داوطلبان باید دارای حداقل ۸ سال سابقه وکالت پایه یک دادگستری باشند.
- به موجب ماده ۲۲ اساسنامه اسکودا، رئیس می تواند از خارج از هیأت عمومی اسکودا و هیأت‌های مدیره کانون‌های عضو انتخاب شود.
- داوطلبان محترم در تقاضای خود خلاصه‌ای از سوابق علمی و حرفه‌ای و اجتماعی خود را مرقوم فرمایند.
- مهلت ارسال تقاضا، یک ماه از تاریخ درج آگهی در روزنامه است. در عین حال کانون‌های محترم نیز مراتب را به‌نحو مقتضی به اعضای خود اعلام خواهند فرمود.
- در پایان مهلت و پس از بررسی مدارک ارسالی و نیز سوابق داوطلبان و تأیید آن در شورای اجرایی، مشخصات داوطلبان به همه کانون‌های عضو اعلام خواهد شد تا مورد امعان نظر اعضای محترم هیأت‌های مدیره قرار گیرد.
- تبصره: پس از انقضای مهلت ثبت نام، در صورت وصول تقاضای جدید، اتحادیه تکلیفی در ارسال شرح حال (رزومه) این‌گونه داوطلبان نخواهد داشت.
- درخواست باید به امضاء شخص داوطلب برسد و انجام این امر به نیابت قابل قبول نیست.

نائب رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران

علی پزشکی